

حکیم فردوسی در «خوارشاهی» در سال ۳۲۶ هجری قمری (۲۱۹ خورشیدی) به قلم آمد.

فردوسی شاهنامه سرای گویای قرون قدیم شاهنامه (فردوسی) است که شهید و ترین اثر حماسی

فارسی است. در ایران روز ۲۵ اردیبهشت به نام روز بزرگداشت فردوسی نامگذاری شده است.

نام او را منابع قدیمی تر از جمله «عجایب السلوات و تاریخ مؤید، اثر عبداللّه مستوفی»

«حسن» نوشته اند و منابع جدیدتر از جمله «تذکره بایسنقری» که اثر محققان آکن باجی لاری

می دانند «منصور» گفته اند. نام پدرش نیز در تاریخ مؤید و تذکره بایسنقری «علی» ذکر شده است.

محمد امین بیاجی، از فردوسی شاهنامه و علامه نام «حسن بن علی» را به خاطر تسهیل بودن فرسوی

مهاجرت دانسته و آن را بیدگر است.

^{۴۴}
کودکی و تحصیل
_{۴۵}

پدر فردوسی (مقا) بود که در آن زمان به یعنی ایرانی تبار و نیز به معنی صاحب ده بوده است.

در ده خا (۱۲۸۰) (۷۲) که می توان آن نتیجه رفت زندگی نسبتاً مرفه را داشته است. در نتیجه

خانواده (یا فردوسی) احتمالاً در کودکی مشکل مالی نداشته است و نیز تحصیل مناسب کرده. برایناس

سواد محدود از شاهنامه می توان نتیجه گرفت که او جدا از زبان فارسی (دری) به زبان های

عربی و بنگالی نیز آموخته شده است و به نظر می رسد که فردوسی با فلسفه یونانی نیز آشنایی

داشته است. (دردی، ۱۳۸۰، ص ۷۴)

گویی و جوانان فردوسی در دوران *سلسله* بوده است.

علاءالدین خلجی

۱- شاهنامه ی منثور ابو مندوی *دوم* ۲- شاهنامه ی ابوالهردی بلخی

۳- شاهنامه ی دقیقی *در منابع فردوسی* ۴

دقیقی

پیش از آن که فردوسی به شاهنامه سرایی بپردازد، در *دقیقی* که از شاهان بزرگ

و همسال فردوسی است به نظم شاهنامه روی آورده بود. وی تنها هزار بیت از داستان

کتابت و ازجا سپ تواری را سروده بود که درین کسر از چهل سالگی به دست غلامش

گشته شد. فردوسی علت قتل او را *دخوی بد* یاد می کند.

پس از قتل *دقیقی*، دوستان فردوسی که قوت طبع شاعری او را پیش از این آموخته بودند

او را مآرامی کار نسوختی کردند.

غلام قدیر داستان *خلجی* گوید که او را به فکر به نظم در آوردن شاهنامه انداخت.

زمانه

چنان که از گفته خود فردوسی در کتابخانه برجا آید، نزدیک به سی سال از بستن امام زین العابدین خود را

وقف این کار کرده است: خود او می گوید:

بسی رنج بر من بدین سال سی عجم زنده کردم بدین یاری

او در حدود چهل سالگی به سرودن کتابخانه پرداخت (سال ۳۷۰ تا ۳۷۱) و در حدود ۷۱

سالگی کتابخانه را به پایان رساند (۴۰۰ هجری). آخرین اس

عنوان کتابخانه اشعری شاهنامه

فردوسی طبعی لطیف داشته، شعری از طعنه و هجو و روغ و تملق خالی بود و نایب تر است

الفاظ نایب و لغات دور از اخلاق بکار برده،

کتابخانه منظوم است که حدود آن از شصت هزار بیت تشکیل شده است و دارای

سه دوره است: ۱. بطلوانی و تاریخی است.

تفکر فردوسی و اندیشه‌های حکم بر شاهنامه همیشه مدافع خوبی‌ها در برابر ظلم و تباهی است،

تصویر سازی در شعر فردوسی جای بسیار مهم دارد و چنان محکم و متناهی است که حتی اغلب توصیفات

طبیعی در باره کاسب در فو، طلوع و غروب و ... در شعر او حالت و تصویرهای حماسی دارد:

Raz

جو خورشید آبدار شد تا پدید
کتاب تیره بر چرخ آتشگر کشید

موسیقی در شعر فردوسی از عناصر اصلی شعر محسوب می شود.

اغراضهای آسارانه، تشبیهات محسی و نغزهای لطیفات طبیعت و زندگی از دیگر مشخصات
هم شعر فردوسی است.

فردوسی آینه قول خودش هیچ یادشاهی را سزاوار هدیه کردن نتوانست دید:

در ندیدم کسی کس سزاوار بود

مدتی آنی را مینگرید (نگردانست) اما چون در طی این کار رفته رفته ثروت و جوانی و ارز است

داده بود، بنظر اقتدار که آن را آینه یادشاهی بزرگ کند و بیگانه ای ^{نام} اینکه سلطان محمود

چنانچه باید قدر او را خواهد شناخت، شایسته نام او کرد و راه نغزین را در پیش

گرفت. اما سلطان محمود که به بدایح و استعاراتش آینه شاعران بدیش از تاریخ و داستانها

بیلوانی علاقه داشت، قدر سخن فردوسی را ندانست و او را آنچنانکه شایسته اش بود

تسکوتی نکرد.

در باره ای اینکه ^{که} او نیز حیرت سلطان محمود به فردوسی بی اعتنا می کرد گفته اند: فردوسی از

Date: _____

Subject: _____

پیران اهل بیت بود و سلطان محمود و ابانسیهان میانند ای نبود. نظامی عروضی می گوید:

سلطان محمود مردی متعصب بود و اهل اقصای عوی که با فردوسی دشمن بودند به سلطان گفتند که

مرد ~~عقل~~ راوفی است (سید) و این بی اعتمادی دلیل سید بودن اوست.

مگر

آخرین اشاره ای فردوسی به بنی خود حدود هشتاد سال است

در لغت محمود نیز یک هشتاد و دو ~~سال~~ ~~است~~ امیدم به یلباره برد باد شد <<

تاریخ وفاتش را یعنی ۱۱ و برخی ۱۲ هجری قمری نوشته اند، فردوسی وادرسید طوسی در

بانگی که متعلق به خودی بود به خاک سپردند.